

آموزش نماز

(تعليم الصلاة باللغة الفارسية)

تأليف:

عبدالله بن احمد بن على الزيد

ترجمه:

اسحاق دبيري رحمه الله

شناسنامه کتاب

نام کتاب:	آموزش نماز
تألیف:	عبدالله بن احمد بن علي الزيد
ترجمه:	اسحاق ديبيري رحمه الله
سال چاپ:	۱۳۹۲ هـ. ش / ۱۴۳۵ هـ. ق
نوبت چاپ:	چهارم

www.aqeedeh.com

www.islamhouse.com

www.videofarsi.com

www.islamtxt.net

www.mowahedin.com

www.sadaiislam.com

سایت های مفید:



Mowahedin Group

contact@mowahedin.com

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

فهرست مطالب

۳	تقدیم
۵	مقدمه مترجم
۸	مقدمه
۹	پیشگفتار
۱۶	فضل نماز
۱۹	طهارات و پاکیزگی
۲۰	نمازهای فرض
۲۱	صفت و چگونگی نماز
۲۸	نماز جمعه
۳۰	نماز جماعت
۳۱	نماز مسافر
۳۲	ذکرهایی که بعد از نماز گفته می شود
۳۳	سنت های راتبه
۳۵	ترجمه ی نویسنده ی این کتاب بطور مختصر

تقدیم

متأسفانه اسلام عزیز و اصول و احکام ارزشمند آن، طی چند سال، و بلکه چند دهه اخیر، به ویژه در میان مسلمانان فارسی زبان افغانستان و تاجیکستان به دلیل مشکلات خاص اجتماعی به تاریکی گراییده و شاید بتوان گفت به فراموشی سپرده شده بود. اینک فرصت فراهم آمده تا هر چه بیشتر و بهتر در این زمینه کار و فعالیت انجام دهیم، تا راه برای فهم اصول، مزایا، و احکام مختلف اسلام هموار گردد، که به حق، جوابگوی تمامی مشکلات بشر در همه عرصه‌های زندگی است.

رساله کوتاهی که به نام «آموزش نماز» توسط دکتر عبدالله بن أحمد بن علی الزید - حفظه الله - به زبان عربی نگاشته شده، و برادر عزیزمان آقای اسحق دبیری آن را به زبان فارسی برگردانده، گام مثبتی در همین راستاست. آقای دبیری از جوانان آگاه و فعالی است که شدیداً علاقه‌مند خدمت به اسلام عزیز است و به ویژه در باب تألیف و ترجمه به زبان فارسی، شوق و علاقه خاصی دارد. وی علاوه بر رساله «آموزش نماز» چند رساله مفید دیگر نیز نگاشته و یا ترجمه کرده است که هم اکنون زیر چاپ هستند؛ از جمله:

۱- مختصری از مناسک و راهنمای حج (تألیف)؛

۲- قبر: عذاب و خوشی آن (ترجمه)؛

۳- نامه‌ای برادرانه (ترجمه)؛

۴- خدانشناسی برای خردسالان (تألیف)؛

۵- وجوب عمل به سنت رسول ﷺ و کفر کسی که آن را انکار کند (ترجمه)؛

۶- واجباتی که بر هر مسلمان مرد و زن دانستن آن ضروری است (ترجمه)، و بسیاری غیر از اینها.

بنده به عنوان یک طلبه مبتدی زبان فارسی، از این حرکت نیک بسیار خوشحالم، و از اینکه آقای دبیری این بنده ناچیز را شایسته دانسته که این اثر را مراجعه و اظهار نظر نمایم، خوشحال‌تر.

پس قدم گذاشتن فعالانه شیخ اسحق دبیری را به عرصه خدمت به مسلمانان فارسی زبان، به ایشان و خوانندگانشان تبریک عرض می‌کنم و از خداوند متعال خواستارم به ایشان توفیق بیشتر و بهتر نوشتن، و به خوانندگان ایشان توفیق خواندن و عمل کردن و رساندن عنایت فرماید، و به دیگر کسانی که ذوق و علاقه خدمت به اسلام و امت اسلامی را دارند نیز همت و حوصله عطا نماید؛ به ویژه در عرصه ترجمه و تألیف به زبان فارسی. به امید آنکه ان‌شاءالله شاهد پا گذاشتن جوانان فعال دیگری در این میدان باشیم.

عبدالله حیدری

۱۳۷۷/۵/۲۸ هجری شمسی

۱۴۱۹/۴/۲۶ هجری قمری

مقدمه مترجم

الحمد لله الذي فرض الصلاة على عباده وأمرهم بإقامتها وحسن أدائها وعلّق النجاح والفلاح بالخشوع فيها وجعلها فرقاناً بين الإيمان والكفر وناهية عن الفحشا والمنكر والصلاة على نبينا محمد وعلى آله وأصحابه ومن سار على نهجه إلى يوم الدين، أما بعد:

نماز رکن دوم اسلام و از مهمترین رکن بعد از شهادتین به شمار می‌رود. خداوند می‌فرماید:

﴿وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ﴾ [النحل: ۴۴].

«و به تو قرآن نازل کردیم تا برای مردم روشن سازی آنچه را که بر آنان فروفرستاده شده است».

پس رسول الله ﷺ این امانتی که بر دوش او بود بطور کامل به مردم رسانده و نماز بزرگترین عبادتی است که برای مردم بیان فرموده، هم با قول و هم با فعل؛ به طوری که نقل شده که ایشان بالای منبر نماز خواند تا مردم از او چگونگی نماز را بیاموزند و فرمود:

«إِنَّمَا صَنَعْتُ هَذَا لِتَأْتُمُوا بِي، وَلِتَعْلَمُوا صَلَاتِي» [متفق علیه]

«من اینکار را کردم تا اینکه شما از من پیروی کنید و چگونگی نماز خواندن را یاد بگیرید».

رسول الله ﷺ فرمودند:

«إِنَّ أَوَّلَ مَا يُحَاسَبُ بِهِ الْعَبْدُ الْمُسْلِمُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، الصَّلَاةُ الْمَكْتُوبَةُ، فَإِنْ أَتَمَّهَا، وَإِلَّا قِيلَ: انظُرُوا هَلْ لَهُ مِنْ تَطَوُّعٍ؟ فَإِنْ كَانَ لَهُ تَطَوُّعٌ أَكْمَلَتِ الْفَرِيضَةَ مِنْ تَطَوُّعِهِ، ثُمَّ يُفَعَّلُ بِسَائِرِ الْأَعْمَالِ الْمَفْرُوضَةِ مِثْلُ ذَلِكَ» [أبو داود وابن ماجه]

«اولین چیزی که بنده مسلمان در روز قیامت در مورد آن بازخواست می‌شود، نماز است. پس اگر آن را به طور کامل ادا کرد، که خوب است، وگرنه خداوند به فرشتگان خود می‌فرماید: (در حالیکه او بهتر می‌داند) نگاه کنید آیا بنده من نماز سنت و نافله‌ای هم دارد؟ پس اگر علاوه بر فریضه، نماز نفل و سنتی داشت، فریضه‌ای را که در آن نقص وجود دارد با آن سنت و نافله کامل می‌کنند؛ سپس به همین ترتیب به بقیه اعمال وی حسابرسی می‌شود».

پس نماز، سرمایه هر مسلمان بشمار می‌رود؛ زیرا تمامی اعمال و کردار او وابسته به قبول شدن، یا رد شدن نماز اوست؛ همچنانکه تاجر اگر سرمایه نداشته باشد نمی‌تواند تجارت کند تا سودی ببرد، و این، دلالت بر بزرگی منزلت نماز در اسلام دارد.

پس کسی که آرزوی ملاقات خداوند را دارد نباید از ادای آن کسالت ورزد، زیرا نماز، تشخیص‌دهنده و بیان‌کننده حد فاصل بین اسلام و کفر است، و ستون اسلام به شمار می‌رود و به جز آن بر چیزی دیگر استوار نخواهد ماند.

پیامبر اسلام ﷺ ما را به پیروی از خود امر فرموده، و این پیروی را بر ما واجب کرده است، چنانکه می‌فرمایند:

«صَلُّوا كَمَا رَأَيْتُمُونِي أُصَلِّي» [بخاری].

«طوری نماز بخوانید که دیدید من نماز می‌خوانم».

آن بزرگوار به کسی که مانند او نماز بخواند بشارت داده که خداوند عهد و پیمان کرده است گناهان او را ببخشد، چنانکه می‌فرماید:

«خَمْسُ صَلَوَاتٍ افْتَرَضَهُنَّ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ مَنْ أَحْسَنَ وُضُوهُنَّ، وَصَلَّاهُنَّ لَوْقَتِهِنَّ، وَأَتَمَّ رُكُوعَهُنَّ وَخُشُوعَهُنَّ، كَانَ لَهُ عَلَى اللَّهِ عَهْدًا أَنْ يَغْفَرَ لَهُ، وَمَنْ لَمْ يَفْعَلْ فَلَيْسَ لَهُ عَلَى اللَّهِ عَهْدٌ، إِنْ شَاءَ غَفَرَ لَهُ، وَإِنْ شَاءَ عَذَّبَهُ» [أبوداود]

«خداوند پنج نماز بر بندگانش فرض نموده است. کسی که به طور کامل وضو بگیرد و به وقت آن، نمازها را ادا کند و رکوع و سجود و خشوع و خضوع آنها را بطور کامل انجام دهد، خداوند تعهد کرده است که گناهان او را ببخشد، و کسی که آن را انجام ندهد خداوند تعهدی ندارد که گناهان او را ببخشد؛ اگر خواست گناهان او را می‌بخشد، وگرنه او را عذاب می‌دهد».

لذا با در نظر داشت این اهمیت فوق العاده، ما این رساله مختصر را که در همین باب نوشته شده برای مسلمانان فارسی زبان ترجمه کردیم تا به اهمیت آن پی ببرند و چگونگی ادای نماز را بیاموزند و آن را بطور کامل ادا کنند.

إسحاق بن عبدالله دبیری

ریاض ۱۴۱۹/۱/۲۹ هجری قمری

مقدمه

الحمد لله وحده والصلاة والسلام على رسول الله محمد بن عبد الله صلى الله عليه وآله وسلم وبعد:

چندین بار از من خواسته شد تا کتابی مختصر و جامع در باره رکن دوم اسلام، که نماز است، بنویسم؛ کتابی که در برگیرنده امور اساسی آن بوده و در عین حال، قابلیت ترجمه به زبانهای دیگر را نیز داشته باشد.

لذا پس از جمع کردن و بررسی کتاب‌هایی که در باره نماز نوشته شده، برایم واضح گردید که هر کتابی در یکی از قسمت‌های نماز سخن می‌گوید.

بعضی از آنها در باره صفت و چگونگی ادای نماز نوشته شده، و به اهمیت و فضل نماز نپرداخته؛ بعضی دیگر، مسائل اختلافی را که برای نوآموزان لازم نیست شرح داده است. پس لازم دانستم مسایل مهمی را که انجام دادن آن بر هر مسلمان واجب است، با ارائه دلایل شرعی از قرآن کریم و سنت رسول الله ﷺ جمع آوری کنم و پژوهش‌های طولانی و مسایلی را که در آن اختلاف وجود دارد، ترک کنم و اختصار و جامعیت موضوع را نیز در نظر بگیرم، تا اینکه به فهم هر خواننده‌ای نزدیک باشد و بتوان آن را به زبان‌های دیگر نیز ترجمه نمود.

از خداوند متعال خواستارم که نفع آن را به همگی برساند و خداست شنوا و اجابت کننده دعاها.

والله الموفق

ریاض ۱/۱/۱۴۱۴هـ

د. عبدالله بن أحمد الزید

پیشگفتار

در صحیحین از رسول اکرم ﷺ ثابت است که فرمودند:
«بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسٍ، شَهَادَةِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ، وَإِقَامِ الصَّلَاةِ، وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ، وَصَوْمِ رَمَضَانَ، وَحَجِّ الْبَيْتِ مَنْ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا» [متفق علیه].

این حدیث شریف شامل ارکان پنجگانه اسلام است که عبارتند از:
«رکن اول: گواهی دادن که خدایی بحق نیست، مگر خدای یکتا، و محمد ﷺ رسول و فرستاده خداست.

معنی شهادت «لا إله إلا الله»: یعنی «معبود و خالق بحق نیست، مگر خدای یکتا و یگانه». پس «لا إله» تمامی آنچه غیر از خدا عبادت می شود نفی می کند و «إلا الله» عبادت خدای یکتایی را ثابت می کند که هیچ شریکی ندارد؛ چنانکه خداوند می فرماید:

﴿شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَالْمَلَائِكَةُ وَأُولُو الْعِلْمِ قَائِمًا بِالْقِسْطِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ﴾ [آل عمران: ۱۸]

«خداوند که به عدل (همه امور هستی) را تدبیر می کند و فرشتگان و عالمان، گواهی دهند که معبود (حقی) جز او نیست. (آری) معبود (حقی) جز او (که) پیروزمندِ فرزانه است، نیست.»

پس مقتضای شهادت «لا إله إلا الله» اعتراف کردن به سه چیز است:

نخست: توحید الوهیت فقط برای خدای یکتاست؛ و آن عبارت است از:

یکتا دانستنِ خداوند به تمام عبادت‌ها، و عدم اعتقاد چیزی از آن برای غیر از

او. این توحید ألوهیت چیزی است که خداوند مخلوقات را به سبب آن آفریده چنانکه می فرماید:

﴿وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ﴾ [الذاریات: ۵۶].

«جن و انس را جز برای آنکه مرا بندگی کنند نیافریده‌ام».

و همین - ألوهیت - است که خداوند پیامبران را بسبب آن فرستاده، و کتاب‌ها را نازل فرموده است؛ چنانکه می فرماید:

﴿وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّغُوتَ﴾ [النحل: ۳۶]

«و به یقین در (میان) هر امتی رسولی را برانگیختیم، (با این دعوت) که خداوند را بندگی کنید و از طاغوت بپرهیزید».

پس شرک، ضد توحید است؛ بنابراین معنای «توحید»، تمام عبادت‌ها را فقط از آن خدا دانستن است، و «شرک»، انجام چیزی از عبادت‌ها برای غیر خداست.

هر کس که بدون اکراه چیزی از انواع عبادت، اعم از نماز، روزه، نذر، قربانی، یا طلب مدد را برای غیر خدا انجام دهد، خواه صاحب قبر باشد یا غیر از آن، به خدا شرک آورده و برای او شریک قائل شده است.

شرک بزرگ‌ترین گناهان است، زیرا تمامی اعمال و کردار را محو و نابود می‌کند، و کسی که به شرک آلوده شود، مال و جان او مباح است.

دوم: توحید ربوبیت، که عبارت است از اعتقاد داشتن به اینکه خداوند، خالق

همهٔ مخلوقات و روزی‌دهندهٔ آنهاست، و اوست که به آنها زندگی بخشیده و سپس می‌میراند و او تدبیرکننده‌ای است که ملکیت آسمان‌ها و زمین از آن اوست.

اقرار نمودن به این نوع توحید، جزو فطرتی است که خداوند بنده را بر اساس آن آفریده است، و همه انسانها، حتی مشرکینی که پیامبر اسلام ﷺ در بین آنان مبعوث شده بود، به این نوع توحید اقرار داشتند، و آن را انکار نمی‌کردند؛ چنانکه خداوند می‌فرماید:

﴿قُلْ مَنْ يَرْزُقُكُمْ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ أَمْنَ يَمْلِكُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَرَ وَمَنْ يُخْرِجَ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَيُخْرِجَ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَمَنْ يُدَبِّرُ الْأَمْرَ فَسَيَقُولُونَ اللَّهُ فَقُلْ أَفَلَا تَتَّقُونَ ﴿۳۱﴾﴾ [یونس: ۳۱]

«بگو: چه کسی از آسمان و زمین به شما روزی می‌دهد، یا کیست که حاکم بر گوش و دیدگان است؟ و کیست که زنده را از مرده بیرون می‌آورد، و مرده را از زنده بیرون می‌آورد؟ و کیست که کار (هستی) را تدبیر می‌کند؟ خواهند گفت: خدا. پس بگو: آیا پروا نمی‌کنید؟».

و هیچکس از انسانها این توحید را انکار نمی‌کند، بجز عده‌ای کم‌شمار از بشر، که ظاهراً آن را انکار، اما در باطن به آن اعتراف می‌کنند، و این انکارشان فقط از روی لجاجت و گردنکشی است؛ چنانکه خداوند می‌فرماید:

﴿وَجَحَدُوا بِهَا وَاسْتَيْقَنَتْهَا أَنفُسُهُمْ ظُلْمًا وَعُلُوًّا﴾ [النمل: ۱۴]

«و آن (ها) را در حالی که دل‌هایشان آن (ها) را باور داشته بود، از روی ستم و سرکشی انکار کردند».

سوم: توحید اسماء و صفات خداوند، که عبارت است از ایمان داشتن به آنچه خداوند خود را به آن توصیف فرموده، یا به آنچه رسول الله ﷺ خداوند را به آن وصف فرموده است، و ثابت کردن آن به صورتی که شایسته و لایق عظمت

و کبریای باری تعالی باشد؛ بدون بیان کیفیت چگونگی آن، بدون آوردن مثال برای آن، و بدون شبیه کردن به چیزی، بدون تحریف و تغییر دادن نص و معنای آن، و بدون انکار اسم و صفتی از اسمها و صفاتهای خداوند؛ چنانکه می‌فرماید:

﴿وَلِلَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ فَادْعُوهُ بِهَا﴾ [الأعراف: ۱۸۰].

«و خداوند نامهای نیک دارد. پس به آن (نامها) او را به (دعا) بخوانید.»
و همچنان می‌فرماید:

﴿لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ﴾ [الشوری: ۱۱].

«چیزی مانند او نیست. و او شنوای بیناست.»

پس «لا إله إلا الله» اعلان کردن و اقرار نمودن است به این سه نوع توحید، و هر کسی که آن را بگوید در حالیکه معنای آن را بداند، و به مقتضا و ضروریات آن از قبیل نفی شرک و اثبات یگانگی خداوند عمل کند، او مسلمان حقیقی است؛ و کسی که آن را بگوید و به معنی و ضروریات آن ظاهراً عمل کند و در باطن آن را انجام نداده و به آن اعتقاد نداشته باشد، منافق است؛ و کسی که با زبان بگوید اما کردارش مخالف مقتضا و ضروریات آن باشد، کافر است، اگر چه بارها آن را تکرار کند.

معنای شهادت «محمد رسول الله» ایمان و تصدیق به رسالت محمد است، و چیزی که محمد صلی الله علیه و آله آن را از نزد خداوند آورده که این ایمان و تصدیق، باید با انجام دادن و اطاعت کردن از اوامر او، و دوری جستن از آنچه که از آن نهی فرموده همراه باشد، و اینکه تمامی عبادت‌های انسان، مطابق و موافق فرمایش رسول خدا صلی الله علیه و آله باشد، چنانکه خداوند می‌فرماید:

﴿لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَءُوفٌ رَّحِيمٌ﴾ [التوبة: ۱۲۸]

«بی گمان رسولی از خودتان به سوی شما آمد، رنجتان بر او دشوار، بر شما حریص (و) به مؤمنان رئوفِ مهربان است».

و همچنان می فرماید:

﴿مَنْ يُطِيعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ﴾ [النساء: ۸۰]

«هرکس از رسول (خدا) اطاعت کند، در حقیقت از خداوند فرمان برده است».

و می فرماید:

﴿وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ﴾ [آل عمران: ۱۳۲]

«و از خداوند و رسول (او) فرمان برید، باشد که مشمول رحمت قرار گیرید».

و می فرماید:

﴿مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ﴾ [الفتح: ۲۹]

«محمد ﷺ رسول خداست و کسانی که با اویند بر کافران سخت گیر و در میان خود مهربانند».

رکن دوم و سوم: ادای نماز، و دادن زکات است چنانکه خداوند متعال می فرماید:

﴿وَمَا أَمْرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ حُنَفَاءَ وَيُقِيمُوا الصَّلَاةَ وَيُؤْتُوا الزَّكَاةَ وَذَلِكَ دِينُ الْقِيَمَةِ﴾ [البينة: ۵].

«و فرمان نیافتند جز آنکه خدا را - در حالی که پرستش را برای او خالص ساخته اند با پاکدلی (دین ورز به آیین ابراهیمی) - بپرستند و نماز بر پا دارند و

زکات پردازند و این است آیین راستین»

و می‌فرماید:

﴿وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَءَاتُوا الزَّكَاةَ وَارْكَعُوا مَعَ الرَّاكِعِينَ﴾ [البقرة: ۴۳].

«و نماز برپای دارید و زکات پردازید و با رکوع کنندگان رکوع کنید».

نماز همان چیزی است که ما در صدد و قصد بیان آن هستیم؛ و زکات، آن چیزی است که از اموال ثروتمندان گرفته می‌شود و میان مستمندان و دیگر مستحقان آن توزیع می‌گردد. این اصل و قاعده بزرگی از اصول اسلام است که به وسیله آن، هماهنگی و همبستگی در جامعه اسلامی به وجود می‌آید، و افراد آن به یکدیگر کمک و یاری می‌دهند؛ لذا می‌بینیم که برای فقیر در آنچه در دست ثروتمند است، حقی داده شده؛ بدون اینکه ثروتمند بر فقیر منت بگذارد.

رکن چهارم: روزه ماه مبارک رمضان است؛ چنانکه می‌فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ

لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ﴾ [البقرة: ۱۸۳].

«ای مؤمنان، روزه بر شما مقرر شده است، چنانکه بر پیشینیان مقرر شده بود، باشد که تقوی پیشه کنید».

رکن پنجم: حج و زیارت خانه خداوند است برای کسی که استطاعت آن

را داشته باشد.

چنانکه خداوند می‌فرماید:

﴿وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا وَمَن كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ

الْعَالَمِينَ﴾ [آل عمران: ۹۷]

«و برای خداوند حج خانه (کعبه) بر (عهده) مردم است، (البته) کسی که بتواند سوی آن راه برد. و هرکس کفر ورزد، (بداند) که خداوند از جهانیان بی نیاز است.»

فضل نماز

از آنچه گذشت معلوم می‌شود که نماز شأن و منزلت بزرگی در اسلام دارد و رکن دوم از ارکان اسلام است که اسلام شخص، صحیح و کامل نمی‌شود مگر با ادای آن. نیز دانستیم که کسالت و سستی در نماز، از صفات منافقین است، و ترک آن، کفر و گمراهی و خروج از دایره اسلام است؛ چنانکه رسول گرامی صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرماید:

«بَيْنَ الرَّجُلِ وَبَيْنَ الشِّرْكِ وَالْكَفْرِ تَرْكُ الصَّلَاةِ» [مسلم]

«بین مرد و بین شرک آوردن و کافر شدن ترک کردن نماز است.»

و همچنین صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرماید:

«الْعَهْدُ الَّذِي بَيْنَنَا وَبَيْنَهُمُ الصَّلَاةُ، فَمَنْ تَرَكَهَا فَقَدْ كَفَرَ» [ترمذی].

«فرق بین ما مسلمانان و بین کافران و مشرکین نماز است؛ پس کسی که آن را ترک کند کافر می‌شود.»

نماز پایه و اساس اسلام است و واسطه بین بنده و خداست؛ چنانکه رسول

الله صلی الله علیه و آله و سلم در حدیث صحیح می‌فرماید:

«إِنَّ أَحَدَكُمْ إِذَا صَلَّى يُنَاجِي رَبَّهُ» [بخاری]

«هر یک از شما وقتی نماز می‌خواند با خداوند مناجات می‌کند.»

نماز علامت محبت و دوستی بنده با خدا و قدردانی او از نعمت‌هایش می‌باشد. از بزرگی شأن و منزلت نماز نزد خداوند این است که اولین

فریضه‌ای است که بر پیامبر ﷺ واجب شده، و فرض شدن آن بر این امت، در آسمان در شب اسرا و معراج بوده است.

هنگامی که از رسول خدا ﷺ سؤال شد که بهترین اعمال کدام است، آن حضرت ﷺ فرمودند:

«الصَّلَاةُ عَلَى وَقْتِهَا» [متفق علیه]

«ادای نماز در اوقات آن».

خداوند نماز را باعثِ پاکی از گناهان و کارهای ناشایست قرار داده است؛ چنانکه رسول خدا ﷺ می‌فرماید:

«أَرَأَيْتُمْ لَوْ أَنَّ نَهْرًا بِبَابِ أَحَدِكُمْ يَغْتَسِلُ مِنْهُ كُلَّ يَوْمٍ خَمْسَ مَرَّاتٍ، هَلْ يَبْقَى مِنْ دَرَنِهِ شَيْءٌ؟ قَالُوا: لَا، قَالَ: كَذَلِكَ الصَّلَوَاتِ الْخَمْسِ، يَمْحُو اللَّهُ بِهِنَّ الْخَطَايَا» [متفق علیه]

«ببینید اگر جوی آبی بر درب خانه یکی از شما جاری باشد و هر روز پنج بار در آن خودش را بشوید، آیا از چرک و پلیدی بدن او چیزی باقی می‌ماند؟ صحابه رضی الله عنهم گفتند: خیر. آنحضرت ﷺ فرمود: همچنین نمازهای پنجگانه که خداوند بوسیله آن خطاها و گناهان را محو و نابود می‌کند [همین طور است]».

در حدیث آمده که آخرین وصیت رسول الله ﷺ برای امت و آخرین سفارش ایشان در وقت وداع گفتن این دنیا و رفتن به سوی آخرت این بود که فرمودند:

«در ادای نماز، و حقوق بردگان از خدا بترسید، یعنی به آنان احسان و نیکی کنید». [أحمد و نسائی وابن ماجه].

خداوند در قرآن امر نماز را بسیار بزرگ شمرده و نماز و اهل نماز را شرافت بخشیده، در مواضع بسیار زیادی از قرآن کریم آن را یاد فرموده و به طور خصوصی به آن سفارش نموده است، از جمله:

﴿حَفِظُوا عَلَى الصَّلَوَاتِ وَالصَّلَاةِ الْوُسْطَىٰ وَقُومُوا لِلَّهِ قَانِتِينَ﴾ [البقرة: ۲۳۸]

«بر (گزاردن) نمازها و (به ویژه) نماز میانه (عصر) پایبند باشید و برای خداوند فروتنانه (به عبادت) بایستید».

و همچنین خداوند می‌فرماید:

﴿وَأَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ﴾ [العنکبوت: ۴۵]

«و نماز را بر پای دار که نماز از (کارهای) ناشایست و ناپسند باز می‌دارد»،
باز می‌فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ﴾ [البقرة: ۱۵۳]

«ای مؤمنان، از بردباری و نماز مدد بجوید، که خدا با بردباران است»،
و همچنین می‌فرماید:

﴿إِنَّ الصَّلَاةَ كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَّوْقُوتًا﴾ [النساء: ۱۰۳]

«که نماز بر مؤمنان واجبی زماندار است».

خداوند بر کسی که نماز را ضایع و پایمال کرده و آن را ادا نمی‌کند، عذابی دردناک واجب نموده و می‌فرماید:

﴿فَخَلَفَ مِنْ بَعْدِهِمْ خَلْفٌ أَضَاعُوا الصَّلَاةَ وَاتَّبَعُوا الشَّهَوَاتِ فَسَوْفَ يَلْقَوْنَ غِيًّا﴾

[مریم: ۵۹]

«آنگاه پس از آنان ناخلفانی جانشین شدند که نماز را ترک کردند و از

خواست‌ها (ی نفسانی) پیروی کردند. پس (کیفر) گمراهی را خواهند یافت».

پس بر هر مسلمان واجب است که بر نمازش محافظت و پایبندی کند، و همچنانکه خداوند آن را فرض نموده، در اوقات خودش آن را ادا کند، با این نیت که این عبادت، به شکل درست، اطاعت از خدا و رسول خداست، و بداند

که در صورت تخلف، به خشم و غضبِ دردناک و عقابِ خداوندی گرفتار خواهد شد.

طهارات و پاکیزگی

طهارت و پاکیزگی، پاکی بدن و لباس و جایگاه خواندن نماز را در بر می‌گیرد. طهارت بدن به دو چیز حاصل می‌شود:

۱- غسل: از جناب و حیض (عادت ماهانه) و نفاس (خونی که بعد از وضع حمل می‌آید) که با ریختن آب بر تمامی جسم و موی سر با نیت طهارت، حاصل می‌گردد؛

۲- وضو: خداوند می‌فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ وَامْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ﴾ [المائدة: ۶]

«ای مؤمنان، چون به (قصد) نماز برخیزید، روی خود و دست‌هایتان را تا آرنج‌ها بشوید و سرتان را مسح کنید و پاهایتان را تا دو کعب^(۱) (قوزک) بشوید».

۱- (فاصله میان معطوف به او، به معطوف به فاء برای ترتیب است که اول رو، دیگر دو دست شسته شوند، دیگر مسح سر شود، دیگر پا شسته شود، و آوردن شستن پا بعد از مسح سر برای این است که در شستن پا اسراف نباید در ریختن آب اسراف شود، زیرا برای شستن صورت و دو دست، آب در کف دست گرفته می‌شود و اسراف نمی‌شود، اما در شستن پا و ریختن آب بر آن، امکان اسراف وجود دارد).

این آیه کریمه شامل اموری است که مراعات نمودن آن در وقت وضو واجب است:

- ۱ - شستن صورت، که مضمضه و استنشاق نیز جزو صورت شمرده می‌شوند، یعنی شست‌وشوی دهان و بینی به وسیله داخل کردن آب در آنها؛
 - ۲ - شستن دو دست تا آرنج؛
 - ۳ - مسح کردن تمامی سر، که گوش‌ها نیز جزو آن است؛
 - ۴ - شستن دو پا تا قوزک (شتالنگ، بجلک).
- پاکیزگی لباس و جایگاه ادای نماز، این است که آنها را از نجاست‌ها، مانند ادرار و مدفوع انسان و مانند آن، پاک نمود.

نمازهای فرض

نمازهای فرض بر مسلمان در هر شبانه روز پنج وقت است که عبارتند از: نماز صبح، که آن را نماز فجر یا بامداد گویند؛ نماز ظهر، نماز عصر، نماز مغرب، و نماز عشاء یا خفتن.

- ۱ - نماز صبح: دو رکعت است و وقت آن از طلوع فجر صادق یعنی فجر دوم - روشنی‌ای که در آخر شب از جهت مشرق می‌آید - تا طلوع آفتاب.

۲ - نماز ظهر: چهار رکعت است و وقت آن از اول زوال (مایل شدن) آفتاب از وسط آسمان شروع می‌شود و تا هنگامی که سایه هر چیز علاوه از سایه اصلی آفتاب یک برابر آن شود ادامه دارد^(۱).

۳ - نماز عصر: چهار رکعت است و وقت آن بعد از انتهای وقت نماز ظهر شروع می‌شود تا اینکه سایه هر چیز دو برابر آن شود (و وقت ضرورت) تا قبل از غروب آفتاب، که رنگ آن زرد شود ادامه دارد.

۴ - نماز مغرب: سه رکعت است و وقت آن از غروب آفتاب شروع شده و تا ناپدید شدن شفقِ سرخ ادامه دارد.

۵ - نماز عشا چهار رکعت است و وقت آن بعد از انتهای وقت مغرب تا یک سوم شب و یا نیمه اول شب ادامه پیدا می‌کند.

صفت و چگونگی نماز

بعد از آنکه طهارت و پاکیزگی بدن و محل نماز، با صفتی که ذکر کردیم انجام گرفت، و مسلمان از رسیدن وقت نماز مطمئن شد، به طرف قبله، که خانه خدا در مکه است، ایستاده و برای هر نمازی که می‌خواهد بخواند-

۱- و در نزد بعضی علماء و مذاهب اسلامی مانند مذهب احناف وقت ظهر تا زمانی ادامه پیدا می‌کند که سایه هر چیز علاوه از سایه اصلی دو برابر شود، = اگر سایه اصلی جوان (۱.۵) متری در وقت زوال (هنگامیکه آفتاب بالای سر ایستاده) (۲۰) سانتی متر بوده تا وقتی که سایه او سه متر و (۲۰) سانتی متر شود وقت نماز ظهر ادامه دارد. (مترجم)

اعم از فریضه و سنت و نافله - در قلب خود نیت می‌کند^(۱) و سپس اعمال زیر را انجام می‌دهد:

۱ - در حالیکه به سجده‌گاه خود می‌نگرد تکبیر تحریمه «الله اکبر» می‌گوید؛

۲ - در هنگام گفتن تکبیر تحریمه، هر دو دست خود را تا برابر دو شانه و

یا مقابل گوش‌ها بالا می‌برد؛

۳ - سنت است که بعد از تکبیر تحریمه، دعای افتتاح نماز را بخواند^(۲) و بگوید:

«سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَبِحَمْدِكَ وَتَبَارَكَ اسْمُكَ وَتَعَالَى جَدُّكَ، وَلَا إِلَهَ غَيْرُكَ»

«بارِ اِلهَا! ما تو را منزه می‌دانیم، و تو را حمد و سپاس می‌گوییم، و نام تو را

برتر می‌دانیم و هیچ معبود بر حقی غیر از تو وجود ندارد».

و اگر بخواهد می‌تواند این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ بَاعِدْ بَيْنِي وَبَيْنَ خَطَايَايَ كَمَا بَاعَدْتَ بَيْنَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ، اللَّهُمَّ تَقْنِي
مِنْ خَطَايَايَ كَمَا تُتَقْنِي التَّوْبُ الْأَبْيَضُ مِنَ الدَّنَسِ، اللَّهُمَّ اغْسِلْنِي مِنْ خَطَايَايَ بِالْمَاءِ
وَالثَّلْجِ وَالْبَرَدِ»

«بارِ اِلهَا، همچنان که بین مشرق و مغرب فاصله ایجاد کردی، بین من و

گناهانم فاصله ایجاد کن. پروردگارا، همچنان که لباس سفید از چرک پاک

۱- نیت در قلب است، زیرا از رسول اکرم ﷺ ثابت نشده که آن حضرت نیت را بر زبان

آورده باشند، مگر نیت حج؛ همچنین از صحابه و یاران و تابعین هم ثابت نشده است.

پس نیت کردن با زبان یک نوع بدعت به شمار می‌رود. (مترجم)

۲- دعای شروع کردن نماز «استفتاح»، دعایی است که بعد از تکبیر تحریمه و قبل از شروع

به قرائت فاتحه در نماز خوانده می‌شود و حکم آن، سنت است.

می‌شود، مرا از گناهانم پاک گردان. خداوندا، مرا از گناهانم با آب و یخ (برف) و تگرگ شست و شو ده»؛

۴ - سپس می‌گوید:

«أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ، بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»

«پناه می‌برم به خدا از شر شیطان ملعون و نفرین شده، بنام خداوند بخشنده مهربان».

سپس سوره فاتحه را قرائت می‌کند:

﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ﴿١﴾ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿٢﴾ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ﴿٣﴾
 مَلِكِ يَوْمِ الدِّينِ ﴿٤﴾ إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ ﴿٥﴾ أَهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ ﴿٦﴾
 صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ ﴿٧﴾﴾ و بعد از
 آن می‌گوید: «آمین».

«ستایش خدای راست، پروردگار جهانیان ﴿٥﴾ بخشنده مهربان ﴿٣﴾ خداوند روز جزا ﴿٦﴾ تنها تو را بندگی می‌کنیم، و تنها از تو یاری می‌جوییم ﴿٥﴾ ما را به راه راست ره نما ﴿٦﴾ راه کسانی که به آنان انعام کرده‌ای (راه پیغمبران و صدیقان و شهیدان و صالحان)، نه آنان که مورد خشم قرار گرفته‌اند (یهود)، و نه راه گمراهان (نصاری)».

«آمین» دعای ما را بپذیر، و ما را به راه راست پایدار گردان؛

۵ - سپس سوره‌ای از سوره‌های قرآن که آن را حفظ دارد قرات می‌کند؛ مانند:

﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ ﴿١﴾ اللَّهُ الصَّمَدُ ﴿٢﴾ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ ﴿٣﴾ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا

أَحَدٌ ﴿٤﴾﴾ [الإخلاص: ۱-۴]

«بگو: خداوند است که یگانه است ❀ خداوند بی نیاز است ❀ نه (فرزند) زاده، و نه زاده شده است ❀ و هیچ کس همتای او (نبوده) و نیست»،
یا سوره:

﴿إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ ﴿١﴾ وَرَأَيْتَ النَّاسَ يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللَّهِ أَفْوَاجًا ﴿٢﴾
فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَأَسْتَغْفِرْهُ إِنَّهُ كَانَ تَوَّابًا ﴿٣﴾﴾ [المسد: ۱-۳]

«چون نصرت الهی و فتح فرا رسد ❀ و مردم را ببینی که گروه گروه در دین خدا درمی آیند ❀ پس پروردگارت را با ستایش (او) به پاکی یاد کن و از او آمرزش بخواه. بی گمان او توبه پذیر است»:

۶ - بعد از آن به رکوع رفته می گوید: «الله اکبر» و دو دست خود را بر زانوی خود می گذارد و می گوید:

«سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ»

«پاک است پروردگار بزرگ من»،

و سنت است که سه بار یا بیشتر آن را تکرار کند؛

۷ - سپس سر را از رکوع بلند کرده می گوید:

«سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ حَمِدَهُ»

«خدا می شنود - و می پذیرد - ستایش کسیکه او را ستایش نماید»، خواه امام باشد و یا منفرد (تنهاگذار)،

و بعد از راست شدن و آرام گرفتن از رکوع می گوید:

«رَبَّنَا وَلَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا كَثِيرًا طَيِّبًا مُبَارَكًا فِيهِ مَلِ السَّمَوَاتِ وَمَلِ الْأَرْضِ وَمَلِ مَا

بینهما ومل ما شئت من شي بعد»

«ای پروردگار ما! ستایش حقیقی ویژه تو است، بیشترین و بهترین و مبارکترین حمد و سپاسی که آسمان‌ها و زمین، و آنچه بین آن دو است، و آنچه تو خواهی پر شود از آن».

اما اگر مقتدی باشد در این هنگام می‌گوید:

«رَبَّنَا وَلَكَ الْحَمْدُ...» تا آخر این دعا؛

۸ - سپس سجده کرده می‌گوید: «الله اکبر» و بر اعضای هفتگانه خود سجده می‌کند که عبارتند از: پیشانی با بینی، کف هر دو دست، هر دو زانو، و سر انگشتان دو پا، و می‌گوید:

«سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَى»

«پاک است پروردگار بزرگ من».

سه بار و یا بیشتر آن را تکرار می‌کند، علاوه بر آن هر چه دوست داشت می‌تواند دعا کند؛

۹ - سپس در حالی که سر خود را از سجده بلند می‌کند می‌گوید: «الله اکبر». آنگاه بر پای چپ خود می‌نشیند و پای راستش را نصب می‌کند و دست‌هایش را روی ران و زانویش می‌گذارد و می‌گوید:

«رَبِّ اغْفِرْ لِي وَارْحَمْنِي، وَعَافِنِي وَارْزُقْنِي وَاهْدِنِي وَاجْبُرْنِي».

«ای پروردگار من! از گناه و تقصیراتم درگذر، و به من رحم کن، و مرا عافیت ده، و مرا روزی عطا کن، و مرا هدایت فرما».

منظور از «واجبرنی» آنچه بر انسان می‌گذرد از نقص در بدن، مانند مریضی و امثال آن، و در دین، مانند کوتاهی کردن در اوامر و دستورات، و افراط (زیاده روی) در محظورات، خداوند آن را جبران فرماید؛

۱۰ - سپس در حالی که «الله اکبر» می گوید سجده دوم را به جا می آورد، آنچه در سجده اول انجام داده در سجده دوم نیز تکرارش می کند؛

۱۱ - سپس «الله اکبر» گویان برای رکعت دوم بلند می شود، بدین ترتیب، رکعت اول تمام می شود؛

۱۲ - سپس سوره فاتحه و یک سوره (یا چند آیه دیگر) از قرآن می خواند و به رکوع می رود، از رکوع بلند می شود سپس عیناً مانند اول دو سجده می کند.

۱۳ - بعد از بلند شدن از سجده دوم همچنانکه بین دو سجده نشسته بود، می نشیند و آنگاه «التحیات» را به این ترتیب می خواند:

«التَّحِيَّاتُ لِلَّهِ وَالصَّلَوَاتُ وَالطَّيِّبَاتُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، السَّلَامُ عَلَيْنَا وَعَلَىٰ عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ، أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ».

یعنی: «تمام تعظیم‌ها و نمازها و سایر پاکیزه‌ها فقط از آن خداست، سلام و رحمت و برکات خدا بر تو باد ای پیامبر، و سلام بر ما باد و بر بندگان نیکوکار خدا، گواهی می‌دهم که جز خدای بر حق معبودی نیست، و گواهی می‌دهم که محمد رسول و فرستاده اوست».

سپس اگر نماز دو رکعتی بود مانند نماز صبح و جمعه و هر دو عید، همچنان به نشستن خود ادامه می‌دهد و نمازش را با خواندن این درود کامل می‌کند:

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَعَلَىٰ آلِ مُحَمَّدٍ، كَمَا صَلَّيْتَ عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ، وَعَلَىٰ آلِ إِبْرَاهِيمَ، إِنَّكَ حَمِيدٌ مَّجِيدٌ، وَبَارِكْ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَعَلَىٰ آلِ مُحَمَّدٍ، كَمَا بَارَكْتَ عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ، وَعَلَىٰ آلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَّجِيدٌ».

«بارِ إلهَا، درود و رحمت نازل فرما بر محمد و آل محمد، چنانکه بر ابراهیم و آل ابراهیم رحمت فرستادی، تو ستایش شده و بزرگواری هستی). (پروردگارا، برکت نازل فرما بر محمد و آل محمد، چنانکه بر ابراهیم و آل ابراهیم برکت نازل فرمودی، تو ستایش شده و بزرگواری». و از چهار چیز به خداوند پناه می‌برد:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ عَذَابِ جَهَنَّمَ، وَمِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ، وَمِنْ فِتْنَةِ الْمَحْيَا وَالْمَمَاتِ، وَمِنْ فِتْنَةِ الْمَسِيحِ الدَّجَالِ».

«خداوند، من به تو پناه می‌برم از عذاب دوزخ، و عذاب قبر، و فتنه زندگی و برزخ، و فتنه مسیح دجال».

سپس آنچه از خیر دنیا و آخرت بخواهد دعا می‌کند، چه اینکه در نماز فرض، و چه در نماز سنت و نفل باشد.

آنگاه بسوی راست و چپ سلام می‌دهد:

«السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ».

اگر نماز سه رکعت باشد مانند نماز مغرب، و یا چهار رکعت باشد مانند نمازهای ظهر و عصر و عشاء، بعد از التحیات «الله اکبر» گویان بلند می‌شود و فقط سوره الفاتحه را تلاوت می‌کند، سپس مانند دو رکعت اول رکوع و سجود می‌کند، در رکعت چهارم نیز به همان ترتیب، بجز اینکه در وقت نشستن بطور متورک می‌نشیند؛ یعنی پای چپ خود را زیر پای راست گذاشته و نشیمنگاه خود را بر زمین می‌گذارد و پای راست خود را نصب می‌کند. آنگاه بعد از رکعت سوم در نماز مغرب، و بعد از رکعت چهارم در نمازهای ظهر و عصر و عشاء، تشهد اخیر را می‌خواند و بر پیامبر صلی الله علیه و آله درود می‌فرستد و اگر خواست

دعا می‌کند. سپس به دو طرفش مثل اول سلام می‌دهد، بدین ترتیب، تا اینجا نمازش تمام شده است.

نماز جمعه

دین اسلام اجتماع را دوست دارد و به اجتماع و هماهنگی دعوت می‌کند و تفرقه را ناپسند می‌شمارد و از آن تنفر و دوری می‌جوید. هیچ فرصتی از فرصتهای آشنائی متقابل و انس گرفتن و دوستی و اجتماع و هماهنگی بین مسلمین دیده نشده، مگر اینکه آنان را به آن دعوت نموده و امر کرده است.

روز جمعه، روز عیدی برای مسلمانان است که در آن به ذکر و سپاس خدا مشغول می‌شوند، و در خانه‌های خدا اجتماع کرده از دنیا و گرفتاری‌های آن خود را دور می‌نمایند تا فریضه‌ای از فرایض خدا را انجام دهند، و به توجیهاات و سفارشات خطبا و ارشاد علما در خطبه‌های جمعه گوش فرا دهند، که مانند درسی از دروس هفته می‌باشد و امامان و خطیبان جمعه، مشکلات هفتگی جامعه را معالجه می‌کنند.

خداوند می‌فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ وَذَرُوا الْبَيْعَ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿٩﴾ فَإِذَا قُضِيَتِ الصَّلَاةُ فَانْتَشِرُوا فِي الْأَرْضِ وَابْتَغُوا مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَاذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ﴿١٠﴾﴾ [الجمعة: ١٠]

«ای مؤمنان، چون در روز جمعه برای نماز ندا داده شد، به (عبادت و) یاد

خدا بشتابید و خرید و فروش را رها کنید. اگر بدانید این برایتان بهتر است ﴿۱۰﴾

آنگاه چون نماز گزارده شود، در زمین پراکنده شوید و از فضل خدا بجوید و خداوند را بسیار یاد کنید تا رستگار شوید».

نماز جمعه بر هر مرد مسلمان و بالغ و آزاد و مقیم واجب است و رسول خدا ﷺ بر آن مواظبت کرده و کسانی که آن را ترک می کنند شدیداً تهدید کرده است. چنانکه می فرماید:

«لَيْتَهُنَّ أَقْوَامٌ عَنْ وَدْعِهِمُ الْجُمُعَاتِ، أَوْ لَيَخْتِمَنَّ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ، ثُمَّ لَيَكُونَنَّ مِنَ الْغَافِلِينَ» [مسلم]

«بخدا قسم که مردمی از ترک نماز جمعه باز می آیند، یا اینکه خداوند بر قلب های آنها مهر میزند و آنگاه آنان از غافلان و فراموش شدگان خواهند شد».

همچنین آن حضرت ﷺ می فرماید:

«مَنْ تَرَكَ ثَلَاثَ جُمُعٍ تَهَاوُنًا طَبَعَ اللَّهُ عَلَى قَلْبِهِ» [أحمد و دارمی و أبو داود

و ترمذی و نسائی و حاکم]

«کسی که سه نماز جمعه را از روی تهاون و کسالت ترک کند، خداوند بر

قلب او مهر می زند».

نماز جمعه بجز در مساجد صحیح نیست، آنجایی که مسلمانان در آن جمع می شوند و امام بر آنها خطبه می خواند و آنان را نصیحت و ارشاد می نماید، این را هم باید توجه داشت که سخن گفتن در اثنای خواندن خطبه، حرام است، حتی نمی توان کسی را امر به سکوت کرد.

نماز جمعه دو رکعت است و مسلمان پس از اقتدا به امام خود، با جماعت

آن را انجام می دهد.

نماز جماعت

نماز جماعت بیست و هفت برابر نماز فرادی (به تنهایی) فضیلت دارد. این حدیث در صحیح بخاری از ابن عمر رضی الله عنهما از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده است.

و در حدیث دیگری آمده که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند:

«لقد هممت أن أمر بالصلاة فتقام ثم أخالف إلى قوم في منازلهم لا يشهدون

الصلاة في جماعة فأحرقها عليهم». [متفق علیه]

«همانا تصمیم گرفتم که دستور دهم اقامه نماز گفته شود و شروع به خواندن

نماز کنند، سپس بطرف مردمی بروم که در خانه‌هایشان هستند و به جماعت

حاضر نمی‌شوند، پس خانه‌هایشان را بر آنان آتش زدم».

اگر تخلف آنها از نماز جماعت، معصیت بزرگی نبود رسول الله صلی الله علیه و آله آنها را

به سوزاندن خانه‌هایشان تهدید نمی‌کرد.

خداوند می‌فرماید:

﴿وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَارْكَعُوا مَعَ الرَّكْعِينَ﴾ [البقرة: ۴۳]

«و نماز بر پای دارید و زکات پردازید و با رکوع کنندگان رکوع کنید».

نص صریح و واضحی است در وجوب مشارکت نماز گزاران در نماز

جماعت.

نماز مسافر

خداوند می‌فرماید:

﴿يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ وَلِتُكْمِلُوا الْعِدَّةَ وَلِتُكَبِّرُوا اللَّهَ عَلَىٰ مَا هَدَاكُمْ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ﴾ [البقرة: ۱۸۵]

«خداوند در حق شما آسانی می‌خواهد، و در حق شما دشواری نمی‌خواهد، و تا شمار (روزه) را کامل کنید، و خداوند را به پاس آنکه هدایتان کرد، بزرگ بدارید، باشد که سپاس بگزارید.»

بلی، اسلام چنین است؛ هیچگاه کار دشواری بر عهده کسی نمی‌گذارد، مگر به اندازه استطاعت و توانایی شخص. او اوامری را که بداند در حد توانایی آنان نیست واجب نمی‌کند. از آنجایی که در سفر احتمال مشقت و سختی وجود داشت خداوند به دو چیز اجازه داده است:

۱ - قصر (شکستن یا کوتاه کردن) نماز: که نماز چهار رکعتی به دو رکعت تخفیف می‌یابد. پس اگر شما در سفر بودید باید نماز ظهر و عصر و عشا را به جای چهار رکعت، دو رکعت بخوانید؛ ولی نماز مغرب و صبح به حالت خود باقی می‌ماند و در آنان قصر و تخفیفی نیست. قصر نماز، اجازه و هدیه‌ای است از طرف خداوند به بندگان متقی و پرهیزگارش. خداوند دوست دارد که بنده همچنانکه واجبات او را انجام می‌دهد، به موارد رخصت و تخفیف او نیز عمل نماید. هیچ فرقی در نوع وسیله سفر نیست، خواه سفر با خودرو، هواپیما، کشتی و قطار باشد، و یا با اسب و شتر و قاطر و چهارپایان، و یا با پای پیاده؛ به

همه اینها سفر گفته می‌شود و در هر صورت، نماز به صورت قصر (شکسته) خوانده می‌شود؛

۲ - جمع بین دو نماز: برای مسافر جایز است^(۱) که بین دو نماز در یک وقت جمع کند؛ یعنی نمازهای ظهر و عصر را با هم، و نمازهای مغرب و عشا را با هم جمع می‌کند. بدین صورت، هر دو نماز در یک وقت ادا می‌شود، اما هر نماز، جدا از دیگری خوانده می‌شود: اول نماز ظهر و بلافاصله نماز عصر را می‌خواند، یا اول نماز مغرب و بعد از آن نماز عشا را ادا می‌کند. البته باید به خاطر داشت که جمع بین نمازها، صرفاً به نماز ظهر با عصر، و نماز مغرب با عشا اختصاص دارد، بنابراین جمع کردن بین نماز صبح و نماز ظهر، و یا بین نماز عصر و نماز مغرب جایز نیست.

ذکرهایی که بعد از نماز گفته می‌شود

سنت است که بعد از نماز سه بار استغفر الله بگویند، و علاوه بر آن بگویند:

«اللَّهُمَّ أَنْتَ السَّلَامُ، وَمِنْكَ السَّلَامُ، تَبَارَكْتَ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، اللَّهُمَّ لَا مَانِعَ لِمَا أَعْطَيْتَ، وَلَا مُعْطِيَ لِمَا مَنَعْتَ، وَلَا يَنْفَعُ ذَا الْجَدِّ مِنْكَ الْجَدُّ».

آنگاه، ۳۳ سبحان الله، ۳۳ الحمد لله و ۳۳ الله اکبر می‌گویند، که مجموعاً ۹۹ بار می‌شود، و برای تکمیل عدد (۱۰۰) می‌گویند:

۱- بعضی از علما و مذاهب اسلامی، بنابر اجتهادات فقهی، جمع کردن بین نمازها را در سفر جایز نمی‌دانند. (مترجم)

«لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ».

سپس آیه الکرسی ﴿اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ لَا تَأْخُذُهُ سِنَّةٌ وَلَا نَوْمٌ...﴾ [البقرة: ۲۵۵]، و ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ﴾ [الإخلاص] و ﴿قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ﴾ [الفلق] و ﴿قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْتَائِبِ﴾ [الناس] را می‌خواند. مستحب است که سه سوره گذشته را بعد از نمازهای صبح و مغرب سه بار تکرار کند، و همچنین ۱۰ مرتبه بگوید:

«لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ».

البته تمام این ذکرها، سنت بوده واجب نیست.

سنت‌های راتبه

برای هر مسلمان مستحب است که بر دوازده رکعت نماز سنت مواظبت کند، به شرطی که مقیم باشد. این دوازده رکعت عبارتند از: چهار رکعت قبل از نماز ظهر، دو رکعت بعد از آن، دو رکعت بعد از نماز مغرب، دو رکعت بعد از نماز عشا، و دو رکعت قبل از نماز صبح. اما در وقت سفر پیامبر ﷺ سنت‌های ظهر و مغرب و عشا و ترک می‌کردند و بر سنت صبح و نماز وتر^(۱) محافظت

۱- وتر یعنی فرد و تنها. نماز وتر از سنت‌هایی است که بر آن تأکید بسیار شده است و وقت آن، بین نماز عشاء و طلوع فجر است؛ کمترین آن یک رکعت، میانه آن سه رکعت، و بیشترین آن، یازده رکعت می‌باشد. نماز وتر اول دو رکعت، و رکعت آخری تنها خوانده می‌شود، و درباره آن احادیث بسیاری آمده که ما در اینجا فقط به دو حدیث اشاره می‌کنیم: پیامبر ﷺ فرمودند:

می‌کردند. در نتیجه، بر ماست که کردار رسول الله ﷺ را اسوه حسنه خود بدانیم، چرا که خداوند می‌فرماید:

﴿لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ﴾ [الأحزاب: ۲۱]

«به راستی برای شما، در رسول خدا سرمشقی نیکوست»

و گفتار رسول الله ﷺ که فرمودند:

«صَلُّوا كَمَا رَأَيْتُمُونِي أُصَلِّي». [بخاری]

نماز بخوانید همچنانکه مرا دیدید نماز می‌خوانم.

والله ولي التوفيق

«اجْعَلُوا آخِرَ صَلَاتِكُمْ بِاللَّيْلِ وَتَرَا»

آخرین نماز شب خود را وتر قرار دهید (متفق علیه)، و فرمودند:

«أَوْتَرُوا قَبْلَ أَنْ تُصْبِحُوا»

نماز وتر را بخوانید قبل از اینکه شب را صبح کنید (روایت مسلم).

به اجماع علما و دانشمندان، نماز وتر هر وقت بعد از نماز عشا تا طلوع فجر خوانده شود

جایز است، البته در نزد بعضی علما، نماز وتر واجب است و سه رکعت آن با هم خوانده

می‌شود. (مترجم)

ترجمه‌ی نویسنده‌ی این کتاب بطور مختصر

نویسنده این کتاب دکتر عبدالله بن أحمد بن علی الزید است که در شهرک (الغاط) در سال ۱۳۷۰ هجری قمری دیده بدنیا گشود و در سال ۱۳۹۳ هجری قمری در دانشگاه اسلامی محمد بن سعود در ریاض موفق به اخذ لیسانس شد، و بعد از آن در سال ۱۴۰۶ هجری قمری موفق به اخذ دکتراه در همان دانشگاه گردید. وی در حال حاضر در وزارتخانه شئون اسلامی و أوقاف و دعوت و إرشاد پُست معاونت مطبوعات و نشر در عربستان سعودی را بعهدہ دارد.